





The Impacts and Outcomes of Qur’anic Inquiries by the Companions of Imam al-Bāqir (PBUH)

Kazem Ghazi Zadeh ¹ 
Vahid Sharifi Garmdarreh ² 

Abstract

In the science of fiqh al-ḥadīth, the narrator’s question is regarded as a significant connected verbal indicator (Connected Verbal Mirror) that assists in discerning the precise intent of a speaker's words-particularly when interpreting the speech of the infallibles. Among these narrations, a notable category comprises the companions’ questions concerning Qur’anic verses. While much scholarly attention has been paid to the contexts of these questions, less emphasis has been placed on their hermeneutical and epistemological outcomes-especially when posed by the intellectually distinguished companions of Imam al-Bāqir (PBUH). This study, employing a descriptive-analytical methodology, seeks to examine the Qur’anic inquiries directed to Imam al-Bāqir (PBUH) and to identify their interpretive, theological, and jurisprudential implications. The findings indicate that these inquiries functioned as dynamic tools for shaping Qur’an-based scholarly reasoning, training jurists in authentic methods of ijtihad (Independent Juristic Reasoning), correcting deviant exegetical trends, articulating a reasoned framework for religious questioning and response, and preserving a vast hadīth corpus rooted in Qur’anic interpretation. Such outcomes highlight the enduring significance of these questions as active components in the transmission and development of Islamic knowledge.

Keywords: Narrator’s Inquiry, Imam al-Bāqir (PBUH), Connected Verbal mirror, Qur’anic Hermeneutics, Fiqh al-Ḥadīth.

Citation: GhaziZadeh, K., Sharifi Garmdarreh, V. (2025). The Impacts and Outcomes of Qur’anic Inquiries by the Companions of Imam al-Bāqir (PBUH). *Narrative Quranic Research*, 1 (1), 5-27. (In Persian)

* Received: 2025/01/18, Revised: 2025/02/20, Accepted: 2025/04/07.

1. Assistant Professor of Quranic Sciences and Hadith, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
Email: k.ghazizadeh@modares.ac.ir.

2. PhD Candidate in Law, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Corresponding Author Email: vsharifii10@gmail.com.



آثار و نتایج پرسش‌های قرآنی اصحاب امام باقر علیه السلام

کاظم قاضی زاده ^۱

وحید شریفی گرم‌دره ^۲

چکیده

سؤال راوی یکی از قرائن لفظی متصل است که در شناخت مقصد اصلی کلام متکلم به صورت عام و کلام معصوم علیه السلام به صورت خاص مورد توجه دانشمندان حوزه فقه‌الحديث قرار گرفته است. بخشی از سؤالات راویان اصحاب معصومان مربوط به آیات قرآن است که در احادیث انعکاس یافته است، اما سواى از مبحث زمینه‌های این پرسش‌ها، با توجه به فرهیختگی اصحاب امام باقر علیه السلام آثار و نتایج این پرسش‌ها مسئله‌ای است که به فهم بهتر و برتر احادیث منجر خواهد شد. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی می‌کوشد با تحلیل دقیق در پرسش‌های قرآنی اصحاب امام باقر علیه السلام به آثار و نتایج این قرینه مهم فقه‌الحديثی بپردازد و از رهگذر آن به ثمرات متعدد آن دست یابد. یافته‌ها نتایج پرسش‌های قرآنی اصحاب امام باقر علیه السلام را تربیت عالمان قرآن‌مدار، آموختن روش اجتهاد و مبارزه با روش‌های غلط آن، بیان منطق پرسش‌گری و پاسخ‌گویی، صدور میراث عظیم روایی در قالب پرسش‌های قرآنی راویان و... تحلیل کرده است.

واژگان کلیدی: سؤال راوی، امام باقر علیه السلام، قرینه متصل لفظی، تفسیر قرآن، فقه‌الحديث.

استناد: شریفی گرم‌دره، وحید؛ قاضی‌زاده، کاظم (۱۴۰۴). آثار و نتایج پرسش‌های قرآنی اصحاب امام باقر علیه السلام. قرآن‌شناخت‌روایی، ۱(۱)، ۲۷-۵.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸.

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: k.ghazizadeh@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: vsharifii10@gmail.com

۱- مقدمه

سؤال راوی که یکی از قرائن لفظیه موجود در کلام معصوم علیه السلام بوده و دارای نقش مهمی در تفسیر و رهیافت به غایت اصلی کلام است، از جمله اسباب صدور روایت است؛ بدین صورت که معصوم علیه السلام در پاسخ به سؤالات راویان - چه کسانی که آشنا به فقه و معارف دینی بودند و چه مردم عادی که واجد اینگونه مسائل نبوده‌اند - بیان خویش را صادر کرده‌اند. راویان حدیث در زمینه‌های متعددی اخذ حدیث کرده و پیوسته آن‌ها را برای دیگران نقل و یا در اصول خود ثبت و ضبط کرده‌اند؛ زمینه‌هایی مانند: اعتقادات (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۹۴، ح ۱۰؛ همان، ص ۱۳۲، ح ۳؛ همان، ص ۱۴۷، ح ۵؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۱۳۲، ح ۲ و...؛ اخلاق (رضی، ۱۴۰۷ق، حکمت ۱۵۰، ص ۴۹۷؛ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۱؛ همان، ص ۳۵۷، ح ۳؛ همان، ص ۳۷۷، ح ۸ و...؛ فقه (کلینی، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۳۷۱، ح ۱؛ همان، ص ۳۹۸، ح ۶؛ همان، ج ۴، ص ۲۷۵، ح ۱۳؛ همان، ص ۲۷۷، ح ۱۳؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷۰، ح ۲۰۴۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۶۷؛ همان، ج ۵، ص ۴۰۴، ح ۵۳ و...؛ سیاست (رضی، ۱۴۰۷ق، کلام ۲۴۰، ص ۳۵۸؛ صدوق، ۱۳۶۶ق، ص ۶۵۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۴؛ همان، ج ۲، ص ۱۸۹ و... و... که جملگی بیانگر اهتمام راویان نسبت به معارف دینی است. یکی از روش‌های آسان‌کننده تحلیل و واکاوی روایات ائمه علیهم السلام و کشف کارکرد قرینه بودن پرسش‌های راویان در فهم احادیث (ر.ک: شریفی گرم‌دره و رفعت، ۱۳۹۷، ص ۱۳۷-۱۵۹)، انحلال آن‌ها به گونه‌های مختلف یا همان گونه‌شناسی است؛ زیرا احادیث معصومان علیهم السلام دارای ویژگی‌هایی اساسی چون کثرت، اختلاف در نوع، موضوع، احکام، اسباب ورود گوناگون و... می‌باشند؛ همین امر سبب شده است که برای دستیابی به تمامیت و جامع بودن پژوهش بر محوریت احادیث و نیز در صورت مشاهده تعارض، برای حلّ تعارض آن‌ها در درجه اول تقسیم و تنويع آن‌ها ضروری تلقی شود (ر.ک: نوبهار و رمضان، ۱۳۹۷، ص ۶۳) و در مرحله بعدی کشف و استخراج مناط این تنويع، مطابق نیاز به برداشت از روایات - بر اساس ادله عقلی و نقلی اطمینانی - مورد توجه قرار گیرد.

از سویی دیگر قرآن کریم در آیات متعدد به آثار فردی و اجتماعی پرسش اشاره کرده و در اهمیت آن سخن به میان آورده است. آثاری که به عنوان سؤال کردن در قرآن کریم مطرح شده است عبارت است از موارد هشت‌گانه آگاهی (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷)، اتمام حجت (بقره: ۲۱۱)، تفکر (انبیاء: ۶۲-۶۷؛ صافات: ۱۱ و ۸۶؛ احقاف: ۴)، رفع تردید (یونس: ۹۴)، سختی تکلیف (بقره: ۶۷)، عبرت‌آموزی (یوسف: ۷)، کفر (مانده: ۱۰۱)، گمراهی (بقره: ۱۰۸). با توجه به مقدمات پیش‌گفته یکی از مقوله‌های مرتبط با پرسش‌های راویان و عموم مردم - به خصوص پرسش‌های قرآنی - از امام باقر علیه السلام نیز آثار و نتایجی است که از این نظام‌واره پرسشی قابل کشف است. با بررسی تفصیلی این نظام پرسش قرآنی در آثار امام باقر علیه السلام که در



پاسخ به پرسش‌های صریح و در نهان راوی ایراد شده است، می‌توان به آثار ارزشمندی چون تربیت عالمان قرآن‌مدار، آموزش روش اجتهاد، بیان منطق پرسش‌گری، تکامل شخصیت روایی راویان و صدور میراث عظیم روایی - پرسشی اشاره نمود.

۲- پیشینه تحقیق

اگر تحقیقات در خصوص زمینه‌های پرسش‌های راویان به دو بخش قابل تقسیم باشد، پیرامون آثار و نتایج سؤالات قرآنی اصحاب امام باقر علیه السلام اثری مستقل جز «کارکردهای قرینه سؤال راوی در فهم احادیث فقهی» از وحید شریفی گرم‌دژه و محسن رفعت تدوین نشده است که تنها در مورد احادیث فقهی است؛ مقاله «نقش سؤال راوی در ابهام‌زدایی و ابهام‌افزایی احادیث فقهی» نیز صرفاً به نقش سؤال راوی در ابهام‌زدایی و ابهام‌افزایی احادیث فقهی پرداخته و نسبت به مباحث قرآنی مسکوت مانده است. وجه تمایز محتوایی اثر حاضر با آثار فوق، گردآوری جامع تمام روایات پرسش‌محور از امام باقر علیه السلام با رویکرد پرسش‌های قرآنی و نیز دسته‌بندی آثار و نتایج آن‌هاست که از دو جهت آثار و نتایج پرسش‌های قرآنی و نیز پرسش‌های قرآنی از امام باقر علیه السلام اثری نوین به شمار می‌رود. وجه تمایز این تحقیق با آثار هم‌سنخ از نظر «روش»، نوع روش‌نگری است که در آن به کاررفته است. به همین جهت اثر حاضر هم به جهت محتوا و هم به جهت روش متفاوت از آثار دیگر است.

باتوجه به مباحث مطرح شده سؤالاتی ایجاد می‌شود از جمله اینکه آثار و نتایج پرسش‌های قرآنی راویان امام باقر علیه السلام کدامند؟ جایگاه گونه‌شناسانه راویان در طرح پرسش‌های قرآنی از امام باقر علیه السلام چیست؟ مقاله حاضر درصدد است با ارائه عینی این آثار و نتایج و نیز کشف راویان امام باقر علیه السلام منحصر در این حوزه و اهتمام در کشف قرینه بودن پرسش راویان در فهم حدیث را تبیین کند. کوشش نگارندگان در ذیل پرداختن به آثار و نتایج پرسش‌های قرآنی اصحاب امام باقر علیه السلام خواهد بود.

۳- تربیت عالمان قرآن‌مدار

وحدت بر مدار قرآن یکی از مولفه‌های اصلی جامعه شیعی است. اهل بیت علیهم السلام همواره اصحاب و یاران خویش را به عرضه قول و فعل بر قرآن سوق داده و آن‌ها را حول این محور تجمیع می‌نمودند؛ چراکه یکی از مهم‌ترین وظایفی که از جانب خدا بر پیشوایان الهی گذارده شده است هدایت جامعه بشری به سمت و سوی قرآن‌مداری و محوریت قرآن در زندگی آن‌هاست. امام باقر علیه السلام نیز به عنوان سردمدار تربیت و پرورش شاگردان علمی و عملی، همواره شاگردان خویش را بر محوریت قرآن و پیروی از آن تشویق نموده و برای آن تلاش می‌کردند. تربیت شاگردان بر محوریت قرآن از جانب حضرت در برخی موارد با تشویق اصحاب بر

جستجو کردن سرنخ‌های گفتار حضرت به یاران، در برخی موارد با پیش‌قدمی حضرت در پرسش قرآنی مشاهده می‌شود:

۳-۱- ارجاع به قرآن و جستجوی سرنخ‌های قرآنی کلام

اهل‌بیت علیهم‌السلام به عنوان تالی تلو قرآن نه تنها در جایگاه عنوان مفسر و مبین برای قرآن قرار دارند بلکه بیان و گزاره‌های ایشان منشأ قرآنی داشته و از آن سرچشمه می‌گیرند. با بررسی روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام ارجاع به قرآن از جانب ایشان به دو گونه ابتدایی و استدامه‌ای (در مسیر پاسخ به سؤال راوی) قابل تقسیم است.

یکی از روش‌های تربیتی برای قرآن‌مدار نمودن شاگردان و اصحاب از جانب اهل‌بیت علیهم‌السلام سوق دادن آن‌ها به تأمل و تدبر در قرآن و نیز جستجو و پی‌گرفتن سرنخ‌های کلام خود از قرآن کریم در ابتدای امر است؛ به واقع، ایشان با این روش جایگاه ارزشمند و اصلی قرآن کریم در نظام معرفتی دینی را به شاگردان بیان کرده و همچنین قرآنی بودن گزاره‌های معرفتی خویش را بر مخاطب معرفی می‌کنند. با بررسی روایات پرسش‌محور از امام باقر علیه‌السلام نیز در موارد متعددی این روش تربیتی مشاهده می‌شود: «عَنْ أَبِي الْجَازُودِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه‌السلام إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَسَأَلُونِي عَنْهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ فِي بَعْضِ حَدِيثِهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نَهَى عَنِ الْقِيلِ وَالْقَالِ وَفَسَادِ الْمَالِ وَفَسَادِ الْأَرْضِ وَكَثْرَةِ السُّؤَالِ قَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَأَيْنَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ؟ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَقَالَ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَلَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ﴾» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۶۹؛ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۶۰).

در روایت فوق، حضرت با عبارت «إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَسَأَلُونِي عَنْهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» به مخاطب این معنا را منتقل می‌کند که کلامی که از لسانش خارج می‌شود ریشه قرآنی داشته و در طول گزاره‌های قرآنی است و اینکه پرسش می‌بایست از اصل و ریشه مطالب باشد. در مرحله بعد کلام خویش را به برخی از نهی‌های پیامبر مستند کرده و آن را بیان می‌کند و وقتی مخاطب از ریشه قرآنی آن سؤال می‌کند پاسخ را براساس قرآن به ایشان ارائه می‌دهند.

۳-۱-۱- توصیه رجوع به قرآن؛ نتیجه پرسش راوی

پرسش راوی در برخی مواقع سبب اظهار، تاکید و تشویق رجوع به قرآن از طرف ائمه علیهم‌السلام شده است؛ در روایتی امام صادق علیه‌السلام در پاسخ مولی‌آل‌سام، وی را به پی‌جویی از قرآن نسبت به سؤال خویش سوق داده و فرموده‌اند: «يَعْرِفُ هَذَا وَ أَشْبَاهَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ امسَحَ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۳۳). با بررسی روایات پرسش‌محور امام باقر علیه‌السلام نیز درمی‌یابیم که ایشان در مجال‌های گوناگون، راوی پرسش‌گر را به رجوع به قرآن به عنوان محور اصلی معرفت و تعلیم دینی سوق داده



و او را به دریافتن سرنخ‌های کلام (پرسش و پاسخ) در قرآن که در واقع همان جواب قرآنی است، حرکت داده‌اند:

الف. زراره گوید از امام باقر علیه السلام درباره قول خدای عزوجل که فرماید «و او رسول بود و نبی» سؤال کردم: رسول چیست و نبی چیست؟ فرمود: نبی کسی است که در خواب می‌بیند و صدا را می‌شنود و فرشته را نمی‌بیند و رسول کسی است که صدا را می‌شنود و در خواب می‌بیند و فرشته را هم مشاهده می‌کند، عرض کردم: امام در چه پایه است؟ فرمود صدا را می‌شنود ولی نه در خواب بیند و نه فرشته را مشاهده کند سپس این آیه را قرائت فرمود: «(وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ) وَلَا مُحَدَّثٍ» پیش از تو هیچ رسول و نبی [و محدثی] نفرستادیم (همان، ج ۱، ص ۱۷۶).

در این روایت پرسش زراره در درجه اول از آیه ۵۴ سوره مریم است و در مرحله بعدی و دنباله پاسخ امام، سؤال از جایگاه و منزلت امامت کرده است؛ از اینکه امام در ادامه و تکمیل جواب خویش، آیه ۵۲ حج را تلاوت می‌کنند ممکن است برای تذکر این مطلب باشد که سرنخ و اساس پاسخ‌ها به پرسش‌های معرفتی - کلامی قرآن است و با تأمل در آیات قرآن بسیاری از پرسش‌ها پاسخ داده می‌شوند.

ب. عن محمد بن مسلم قال سألت أبا جعفر علیه السلام عن قول الله ﴿فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ قال: يا محمد إن الله اشترط على الناس شرطا و شرط لهم شرطا، فمن وفى لله وفى الله له، قلت: فما الذي اشترط عليهم و ما الذي شرط لهم قال: أما الذي اشترط عليهم فإنه قال: ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ و أما ما شرط لهم فإنه قال: ﴿فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى﴾ (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۹۵).

در این روایت نیز امام باقر علیه السلام در صدد معرفی آیات قرآن به عنوان سرنخ‌های اصلی کلام برای پاسخ گرفتن و در مرتبه اعلی تفسیر قرآن و نیز به طور ضمنی ارجاع سائل به قرآن است.

۳-۲- ارزش‌گذاری پرسیدن (پیش‌قدمی حضرت در پرسش قرآنی)

مطابق آموزه‌های کلامی شیعه، قول، فعل و تقریر معصوم برای انسان حجیت داشته و دیگران مطابق این دستور نقلی و عقلی می‌بایست در پیروی از ایشان بکوشند. یکی از عرصه‌های تبعیت که مشترک بین شئون قولی و فعلی تبعیت از امام علیه السلام است، زمان، مکان و به تعبیری عام‌تر احوال پرسش است. یکی دیگر از روش‌های امام باقر علیه السلام برای تربیت عالمان قرآن‌مدار در نظام تربیتی شیعه، پیش‌قدمی آن حضرت در پرسش‌های قرآنی و در نتیجه آن به حرکت انداختن اذهان مخاطبان و مردم برای قرآنی فکر کردن آن‌ها و دنباله‌روی آن‌ها در جهت کشف مجهولات خویش از قرآن بوده است که این امر با بررسی روایات امام

باقر علیه السلام به خصوص روایات پرسش محور از ایشان قابل دسترسی است. به نمونه‌هایی از این قبیل اشاره می‌شود:

الف. زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: درباره اصحاب اعراف چه می‌گویی؟ عرض کردم: آنان یا مؤمن و یا کافرند. سپس فرمود: به خدا قسم آنان نه مؤمن‌اند و نه کافر و اگر مؤمن بودند مانند مؤمنان وارد بهشت می‌شدند و اگر کافر بودند مانند کافران وارد آتش می‌شدند. آنان قومی‌اند که حسنات و سیئات آنان مساوی‌اند و در اعمالشان کم آورده‌اند و آنان همانان هستند که خدای عزوجل گفته است. عرض کردم: آیا آنان اهل بهشت هستند یا آتش؟ فرمود: آنان را در جایی که خدا رها کرده است، رها می‌کنم. عرض کردم: آیا آنان را به خدا موکول می‌کنی؟ فرمود: بلی، من آنان را به حکم خدا موکول می‌کنم. چنان‌که خدا آنان را به مشیت خود موکول کرده است؛ اگر بخواهد، آنان را با رحمت خود وارد بهشت می‌کند و اگر بخواهد، آنان را به عتت گناهانشان به سوی آتش سوق می‌دهد و به آنان ستم نکرده است. عرض کردم: آیا کافر وارد بهشت می‌شود؟ فرمود: خیر. عرض کردم: آیا کسی غیر از کافر وارد آتش می‌شود؟ گفت: فرمود: خیر، مگر اینکه خدا بخواهد. ای زراره! من می‌گویم: اگر خدا خواست، ولی تو نمی‌گویی، اگر خدا خواست. تو اگر بزرگ شوی برمی‌گردی و گره‌هایت گشوده می‌شود (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۴۰۸).

در این روایت، امام باقر علیه السلام با پیش قدمی در امر پرسیدن پرسشی مهم را از زراره بن‌اعین پیرامون اصحاب اعراف که داستانشان در سوره اعراف آمده است بیان کرده‌اند. با بررسی این روایت در می‌یابیم ایجاد پرسش در اثر پرسش ابتدایی در نظام تربیتی و معرفتی امام علیه السلام برای فهماندن و پیراستن اعتقادات راویان، نقش بسزایی داشته است.

۴- آموختن روش اجتهاد و مبارزه با روش‌های غلط آن

امام باقر علیه السلام به عنوان مبتکر علم اصول و تدوین‌کننده آن، در مقام برترین مقام علمی در عصر خویش بر این نکته اهمیت خاصی قائل بودند که با تبیین شیوه‌ها و دستورالعمل‌های صحیح اجتهاد، به نهادینه کردن و کاربردی کردن فرهنگ اجتهاد در میان اندیشمندان و اصحاب خویش مبادرت ورزد؛ از این رو به آموزش اصحاب و شاگردان خویش در راستای بهره‌گرفتن از روش‌های صحیح اقدام ورزید. بخشی از این رهنمودها پیرامون تعلیم مسیر اجتهاد، در اثر مسائل و پرسش‌هایی است که اصحاب و یاران از حضرت انجام داده‌اند. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۴-۱- معرفی روش اجتهاد از قرآن ذیل بحث مسح سر و پا

یکی از مسائل فقهی مطرح در روایات - که به عنوان وجه افتراق وضوی اهل تسنن با تشیع محسوب می‌شود - بحث مسح سر و پا در وضو است. در روایتی زراره بن‌اعین دلیل و نحوه کشف این حکم از آیه وضو را از امام

سؤال می‌کند که حضرت با بیان خویش نحوه اجتهاد از آیات و نیز اهمیت حروف معانی را در کشف حکم بازگو نموده است: «زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا مرا آگاه نمی‌کنی که از کجا دانستی که مسح به بعضی از سر و به بعضی از پا می‌باشد؟ حضرت خندید و سپس فرمود: ای زراره، این حکم را رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده و درباره آن، آیه از طرف خدا نازل شده است، خداوند متعال فرمود: «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ» پس از این جمله فهمیدیم که باید همه صورت را شست. تا آنکه فرمود: «وَ أَيْدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» پس از آن خداوند متعال، بین کلام فاصله انداخت و فرمود: «وَ أَمْسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ» پس از اینکه در شستن صورت «با» نیاورد و در مسح سر «باء» آورد و فرمود: «بِرُؤُوسِكُمْ»؛ دانستیم که مسح به خاطر حرف باء، به بعضی از سر است. سپس پاها را به سر عطف کرد، چنانکه که دستان را به صورت عطف کرد و فرمود: «وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ». پس زمانی که آن را به سر عطف نمود، دانستیم که مسح بر بعضی از آن است. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را برای مردم تفسیر کرد، و مردم آن را ضایع نمودند. سپس فرمود: «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ»؛ زمانی که وضو را از کسی که آب نیابد برداشت، به جای شستن، مسح را قرار داد؛ زیرا فرمود: «وُجُوهَكُمْ» سپس «وَ أَيْدِيكُمْ» را به آن عطف نمود، سپس فرمود: «مِنْهُ» یعنی از آن تیمم! زیرا او می‌دانست که دستی که بر خاک می‌زنند، خاکش به تمامی صورت نمی‌رسد؛ چراکه بعضی از آن خاک بر قسمتی از کف دست می‌چسبد و بر قسمتی نمی‌چسبد، سپس فرمود: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ»، و حرج به معنای تنگی و سختی است» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۳۰).

در این روایت، زراره از امام سؤال می‌کند که شما در مسح پا و سر مسح تمام سر و پا را لازم نمی‌دانید بلکه مقداری از آن را لازم می‌دانید. ممکن است بفرمایید این حکم را از کجا به دست آورده‌اید؟ حضرت با تبسم می‌فرماید این همان حکم رسول خداست و در قرآن هم آمده است. از جمله «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ» فهم می‌شود که شستن صورت‌ها واجب است و از عطف صورت بر دست‌ها و متصل آوردن آن فهمیده می‌شود که حکم صورت‌ها و دست‌ها یکی است و جمله بعدی آنها را جدا کرده و با فعل جدید می‌آورد و می‌فرماید: «وَ أَمْسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ» که از این انفصال در جملات به انفصال در حکم می‌رسیم و در نهایت به مسح مقداری از سر می‌رسیم که این مطلب از باء در «بِرُؤُوسِكُمْ» فهمیده می‌شود؛ چراکه اگر حکم مسح هم با صورت و وجه یکی بود می‌بایست می‌فرمود «وَ أَمْسَحُوا رُؤُوسَكُمْ» و آن را بدون باء به کار می‌برد.

۴-۲- بیان قاعده اصولی خبر در مقام انشاء با تفسیر قرآن به قرآن

یکی از قواعد اصولی - عرفی مطرح شده در کتب اصولیان کاربرد جملات خبریه در مقام انشاء به اغراض گوناگون است (آخوندخراسانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۱). برخی از روایات پرسش محور امام باقر علیه السلام نیز به معرفی این قاعده و کاربرد آن در مسیر اجتهاد و فهم دینی اختصاص دارد:

«رَوَى عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا قَالَا قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مَا تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ كَيْفَ هِيَ وَ كَمْ هِيَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ ﴿وَ إِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ﴾ فَصَارَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ وَاجِبًا كَوُجُوبِ التَّمَامِ فِي الْحَضَرِ قَالَا قُلْنَا إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ﴾ وَ لَمْ يَقُلْ أَفْعَلُوا فَكَيْفَ أَوْجَبَ ذَلِكَ كَمَا أَوْجَبَ التَّمَامُ فِي الْحَضَرِ فَقَالَ عليه السلام أَوْ لَيْسَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ﴿فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾ أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الطَّوْفَ بِهِمَا وَاجِبٌ مَفْرُوضٌ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ وَ صَنَعَهُ نَبِيَهُ عليه السلام وَ كَذَلِكَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ شَيْءٌ صَنَعَهُ النَّبِيُّ عليه السلام وَ ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِي كِتَابِهِ قَالَا قُلْنَا لَهُ فَمَنْ صَلَّى فِي السَّفَرِ أَرْبَعًا أَيْعِيدُ أَمْ لَا...» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۷۱).

در این روایت دو تن از اصحاب جلیل القدر امام پیرامون نماز مسافر از حضرت سؤال می کنند. حضرت با استناد به قول خداوند فرمود: خدا در قرآن می فرماید ﴿وَ إِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ﴾ یعنی خداوند فرموده است که گناه و جناحی بر شما نیست که نماز سفرتان را شکسته کنید و این یعنی نماز مسافر واجب است. این دو سؤال می کنند که خداوند فرمود گناهی نیست و نفرمود: اِفْعَلُوا «انجام دهید» تا ظهور در وجوب داشته باشد. امام فرمود آیا خداوند در مورد سعی صفا و مروه نفرمود ﴿فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾ در این جا هم تعبیر «لا جناح» علیه آمده است ولی طواف آن دو واجب است. خداوند در قرآن آورده است و پیامبر هم بدان عمل کرده است. در واقع همین که حضرت برای بیان و تبیین حکم، به آیات قرآن استشهاد کرده است، خود نوعی دلیل برای تشویق و تایید اجتهاد است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۲۸).

۴-۳- رجوع به کلام عرب عصر نزول برای اجتهاد بهتر

اگرچه قرائت و مفاهیم آیات قرآن فرا زمانی و فرامکانی هستند لکن همچون هر پدیده دیگری در زمان و مکان و فضای خاصی صادر و نازل گشته و برای فهم و درک بهتر مفاهیم آن می بایست با زبان مختص آن و نیز عوارض و مختصات زبان شناختی آن آشنا بود. این امر مورد تأکید روایات پرسش محور امام باقر عليه السلام بوده و با بررسی این گونه روایات در می یابیم که ایشان بر رجوع به کلام عرب عصر صدور و نزول برای فهم بهتر کلام عرب تأکید صریح و ضمنی داشته اند:

«سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فَقُلْتُ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ يَدِي﴾ فَقَالَ الْيَدُ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ الْقُوَّةُ وَ النَّعْمَةُ قَالَ ﴿وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ﴾ وَ قَالَ وَ السَّمَاءُ بَيْنَاهَا بِأَيْدٍ أَيْ بِقُوَّةٍ وَ قَالَ: ﴿وَ أَيَدُهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ﴾ أَيْ قُوَّاهُمْ وَ يَقَالُ لِفُلَانٍ عِنْدِي أَيَادٍ كَثِيرَةٌ أَيْ فَوَاضِلٌ وَ إِحْسَانٌ وَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ بِيضَاءٌ أَيْ نِعْمَةٌ» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۵۹).

در این روایت حضرت در اثنای پاسخ به راوی، وی را به رجوع به کلام عرب برای یافتن معنای واژگان قرآنی - به عنوان مرجعی برای فهم معانی استعمالی کلمات - سوق داده است؛ همچنین در ادامه راوی را به پرتوی دیگری از فهم و اجتهاد در آیات قرآن هدایت می‌کند که عبارت است از حل مجهولات قرآنی به واسطه آیات قرآنی دیگر و به تعبیری تفسیر قرآن به قرآن.

۵- بیان منطق پرسش‌گری و پاسخ‌گویی

پرسش به‌سان هر پدیده انسانی دیگر می‌بایست دارای منطق، روش و ساخت‌واره‌ای عقلایی باشد؛ چراکه مقصود پرسش‌گر در صورتی در قالب سؤال محقق می‌شود که پرسیدن وی در قالب منطق و الگوی عقلایی استوار باشد. امام باقر علیه السلام در بسیاری موارد، مخاطبان خویش را به منطق پرسشگری آگاه و رهنمون کرده و آن‌ها را به تبعیت از آن ارشاد می‌کنند. از زمره اصول منطقی پرسش‌گری ارائه شده در روایت‌های پرسش‌محور امام باقر علیه السلام می‌توان به توصیه و تشویق به دقت و نظم در پرسش، ارجاع به قرآن و جستجوی سرنخ‌های قرآنی در جواب سؤال آن‌ها، تعلیم آداب پاسخ‌گویی و... اشاره کرد:

۱-۵ - توصیه به دقت در پرسیدن

یکی دیگر از عناصر کلیدی و مهم در پرسش‌کردن، دقت در آن است. این دقت کردن که نیازمند تأمل و نگریستن همه‌جانبه در پرسش است سبب می‌شود پرسش‌گر به غرض‌اش نزدیک‌تر شده و به نتیجه بهتر و مطلوب‌تری برسد؛ چراکه دقت کردن و تعمق در بسیاری مواضع باعث می‌شود که جواب بر سائلی که هنوز نرسیده است معلوم شود یا اینکه به گونه‌ای صحیح‌تر و رساتر خواهد بود:

۱-۱-۵ - انتقال دقت به سائل با تصحیح سؤال او

یکی از روش‌های امام باقر علیه السلام در انتقال دقت به پرسش‌گر، تصحیح پرسش اوست:

«سَأَلَ طَاوُوسُ الْيَمَانِي الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَتَى هَلَكَ ثُلُثُ النَّاسِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ لَمْ يَمُتْ ثُلُثُ النَّاسِ قَطُّ يَا شَيْخُ أَرَدْتَ أَنْ تَقُولَ مَتَى هَلَكَ رُبُعُ النَّاسِ وَذَلِكَ يَوْمَ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ كَانُوا أَرْبَعَةَ آدَمَ وَ حَوَاءَ وَ هَابِيلُ وَ قَابِيلُ فَهَلْكَ رُبُعُهُمْ» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۵۶).

در این روایت، وقتی طاووس یمانی از امام سؤال می‌کند که چه وقتی یک سوم مردم هلاک شدند؟ سؤال طاووس را اینگونه اصلاح می‌کنند که آیا مراد این است که چه زمانی یک چهارم مردم هلاک شدند؟ طاووس می‌گوید بله. حضرت در ادامه، جواب وی را براساس اصلاح سؤال طاووس می‌دهند.

۵-۱-۲- نهی از زیاد سؤال کردن

از توصیه‌های دیگری که در حیطه منطق پرسیدن، از سوی امام باقر علیه السلام برای روایان ارائه شده است نهی از کثرت سؤال به برخی از افراد در برخی از موضوعات است:

«عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ فِي بَعْضِ حَدِيثِهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نَهَى عَنِ الْقِيلِ وَالْقَالِ وَفَسَادِ الْمَالِ وَكَثْرَةِ السُّؤَالِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَيْنَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ﴾ وَقَالَ ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ وَقَالَ ﴿لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ﴾ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۰).

امام باقر علیه السلام در این روایت به مخاطبان این نکته را گوشزد می‌کنند که اگرچه پرسش مفید است لکن با قیل و قال و زیاد پرسیدن (به جای تأمل و تفکر و به پاسخ رسیدن) تفاوت دارد.

۵-۱-۳- ارجاع به قرآن و جستجوی سرخ‌های قرآنی کلام

این بحث به تفصیل ذیل عنوان تربیت عالمان قرآن‌مدار مورد بررسی قرار گرفت.

۵-۱-۴- رد شیوه نادرست اجتهاد و فتوا براساس عدم آگاهی

یکی از روش‌های امام باقر علیه السلام در دوران خویش، گوشزد نمودن اجتهاد به واسطه روش‌های نادرست و نیز تلاش برای مقابله با این روش‌هاست. امام در این راستا و جهت جلوگیری از ابتلای به آن راهکارهایی چون توقف نزد شبهات و نیز واگذاری حل این مسائل به اهلش را مطرح فرموده‌اند:

الف) پاسخ به پرسش‌های قتاده بن دعامة

«فَقَالَ لَهُ مَنْ أَنْتَ قَالَ أَنَا قَتَادَةُ بْنُ دِعَامَةَ الْبَصْرِيُّ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام أَنْتَ فَتِيهِ أَهْلُ الْبَصْرَةِ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ وَيْحَكَ يَا قَتَادَةُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ خَلَقَ خَلْقًا مِنْ خَلْقِهِ فَجَعَلَهُمْ حُجَجًا عَلَى خَلْقِهِ فَهُمْ أَوْلَادٌ فِي أَرْضِهِ قَوْمٌ بِأَمْرِهِ نُجَبَاءٌ فِي عِلْمِهِ اصْطَفَاهُمْ قَبْلَ خَلْقِهِ أَظَلَّةٌ عَنْ يَمِينِ عَرْشِهِ قَالَ فَسَكَتَ قَتَادَةُ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَاللَّهِ لَقَدْ جَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْ الْفُقَهَاءِ وَقُدَّامَ ابْنِ عَبَّاسٍ فَمَا اضْطَرَبَ قَلْبِي قُدَّامَ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَا اضْطَرَبَ قُدَّامَكَ قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام وَيْحَكَ أَتَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ؟ أَنْتَ بَيْنَ يَدَيْ بِيوتِ أذنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبَّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ. رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ فَأَنْتَ تَمَّ وَنَحْنُ أَوْلَيْنَكَ فَقَالَ لَهُ قَتَادَةُ صَدَقْتَ...» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۶، ص ۲۵۶).

در این روایت پرسش‌محور امام به جایگاه فتوادهنده، پرسش شونده اشاره کرده و مخاطب (قتاده و گروهی از اهل خراسان و دیگران) را به این مطلب رهنمون می‌سازد که جایگاه جواب دهنده‌گی به پرسش‌ها

و نیز مقام افتا و تفسیر و نیز شناخت حق و باطل مخصوص اهل بیت علیهم السلام است که مصداق واقعی آیه ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ (نور: ۳۶) می‌باشند.

ب) پاسخ به پرسش زراره

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ لِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ سَلَهُ عَنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام سَلُونِي عَمَّا شِئْتُمْ وَلَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِهِ قَالَ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ إِلَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَلْيَذْهَبِ النَّاسُ حَيْثُ شَاءُوا فَوَاللَّهِ لَيَأْتِيَنَّ الْأَمْرُ هَاهُنَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۱۶).

حضرت در این روایت پرسش‌محور نیز به جایگاه واقعی امیرمومنان و اهل بیت علیهم السلام به عنوان محال معرفت الهی اشاره کرده و به‌گونه ضمنی، به منطق پرسش از پرسش‌شوندگان حقیقی که تنها صاحبان پاسخ پرسش‌های مخاطب‌اند اشاره می‌کنند.

۵-۱-۵- اهمیت بررسی نظرات پیرامون مورد سؤال

در برخی روایات امام باقر علیه السلام ایشان در پی پرسش‌راوی، پرسشی از نظر خود راوی سائل و دیگران در مورد پرسش حاضر مطرح کرده‌اند که نشان می‌دهد برای پاسخ دقیق پرسش فهم سؤال، فهم ذهنیات سائل، درک نظرات پیرامون پرسش در میان مردم اهمیت دارد و به جامعیت پاسخ کمک می‌کند:

«عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَ مَا تُقْبَلُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ﴾ قَالَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهَا قَالَ [قُلْتُ يَقُولُونَ حَبْلٌ مِنَ اللَّهِ كِتَابُهُ وَ حَبْلٌ مِنَ النَّاسِ عَهْدُهُ الَّذِي عَاهَدَ إِلَيْهِمْ قَالَ كَذَبُوا قَالَ قُلْتُ فَمَا تَقُولُ فِيهَا قَالَ فَقَالَ لِي حَبْلٌ مِنَ اللَّهِ كِتَابُهُ وَ حَبْلٌ مِنَ النَّاسِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام» (قمی، ۱۴۰۴، ص ۹۲).

در روایت فوق، حضرت در پاسخ به ابان سؤال می‌کنند که مردم در مورد این آیه چه می‌گویند؟ تو در موردش چه می‌دانی؟ و در نهایت پاسخ صحیح را بیان می‌کند.

۶- صدور میراث عظیم روایی در قالب پرسش‌های قرآنی راویان

از زمره بررسی آثار پرسشی اصحاب امام باقر علیه السلام - به خصوص پرسش‌های قرآنی آن‌ها - صدور میراث عظیمی است که شیعیان با بهره‌گرفتن از آن‌ها به معرفت ناب الهی نایل شده و به مرحله معذرت و منجزیت دست می‌یابند. این میراث - با وجود موانع متعدد در جهت نقل و کتابت از جمله منع از آن‌ها، تصحیف و تحریف، تقیه و امور دیگر - در حوزه‌های گوناگون تفسیری، اعتقادی، فقهی، اخلاقی پراکنده است. در ادامه با ارائه آمار تمامی راویان پرسش‌گر از امام باقر علیه السلام - چه صاحبان پرسش‌های قرآنی و چه آن‌هایی که

پرسش‌های قرآنی نداشته‌اند - دسته‌بندی این روایات پرسش‌محور قرآنی و جمع‌بندی آن‌ها بر اساس روایان پرسش‌گر بررسی می‌شود:

۶-۱- زراره بن اعین

از زراره حدود ۳۳۰ پرسش از امام باقر علیه السلام در منابع روایی به صورت مرسل به ثبت رسیده است که در سایر منابع قابل احصا نیست، که از این تعداد، حدود ۲۰ مورد پرسش قرآنی است. این بیست پرسش‌های قرآنی را می‌توان در موضوعات قرآنی زیر دسته‌بندی نمود:

پرسش از «خود قرآن (حدوث و قدم آن)» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۶)

پرسش از «ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (همان، ج ۱، ص ۹۳)

پرسش از «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا» (همان، ج ۱، ص ۹۸)

پرسش از «لَا أُجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ» (همان، ج ۱، ص ۳۸۳)

پرسش از «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (همان، ج ۱، ص ۲۷۴)

پرسش از «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ» (همان، ج ۲، ص ۴۰)

پرسش از «وَالْمَوْلَافَةِ قُلُوبُهُمْ» (همان، ج ۲، ص ۹۱)

پرسش از «اعْمَلُوا فَسِيرِيَ اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (همان، ج ۲، ص ۱۰۸)

پرسش از «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ» (همان، ج ۲، ص ۱۶۰)

پرسش از «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ» (همان، ج ۲، ص ۲۹۳)

یکی دیگر از نتایج بررسی پرسش‌های روایان- اعم از قرآنی و غیر قرآنی آن‌ها- اشتراک راوی یا امام در مورد سؤال است؛ بدین معنا که مشاهده می‌شود یک سؤال با موضوع خاص از طرف چند راوی مختلف از یک امام و یا یک سؤال خاص از طرف یک راوی ولی از چند امام و یا چند راوی از ائمه مختلف پرسیده شده است که در مورد اخیر گاهی تمام امامان مورد سؤال، پاسخ واحد به پرسش داده‌اند و در برخی موارد پرسش‌گران به اقتضاءات گوناگون پاسخ‌های مختلف شنیده‌اند؛ مثلاً در مورد این آیه داوود رقی (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۶، ص ۵۳۱)، ابوالصباح (همان، ج ۲، ص ۲۹۳) و دیگران از امام صادق علیه السلام سؤال کرده‌اند.

پرسش از «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (همان، ج ۲، ص ۳۱۶)

پرسش از «وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۷۶)

پرسش از «حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ» (همان، ج ۲، ص ۱۲)

پرسش از «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (همان، ج ۲، ص ۱۹۹)

پرسش از «عَنِ الْمُسْتَضْعَفِ» (همان، ج ۲، ص ۴۰۴) پرسش از آیه «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف: ۱۰۶) را هم زراره از امام باقر علیه السلام و نیز یعقوب بن شعیب (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۱۹۹) و مالک بن عطیه (همان، ج ۲، ص ۲۰۰) از امام صادق علیه السلام پرسیده‌اند.

پرسش از «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ» (همان، ج ۲، ص ۴۱۳)

پرسش از «يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ» (همان، ج ۴، ص ۳۹۸) پرسش از «يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ» را هم زراره بن اعین (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۳۹۸) و هم محمد بن مسلم (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۴۴) از امام باقر علیه السلام پرسش کرده‌اند و نیز ابراهیم بن عمر یمانی (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۳۹۷) و عبدالله بن سنان (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۴۴) آن را از امام صادق علیه السلام پرسیده است.

پرسش از «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (همان، ج ۵، ص ۳۵۸)

پرسش از «لَا فَعْدَنَ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (همان، ج ۸، ص ۱۴۵)

پرسش از «يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۹۷)

۶-۲- محمد بن مسلم

پرسش‌های محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام حدود ۲۱۰ مورد است؛ از این تعداد حدود ۲۰ مورد پرسش‌های قرآنی وی از حضرت است. آدرس‌ها و موضوعات مورد پرسش آن‌ها عبارتند از:

پرسش از «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا» (عیاشی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۹۸) (پرسش از این آیه را زراره نیز از امام باقر علیه السلام سؤال کرده است).

پرسش و پاسخ از «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ» (همان، ج ۱، ص ۲۰۶).

پرسش از «لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ» (همان، ج ۱، ص ۲۳۰). (ابی بکر حضرمی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۵۱) و ابوبصیر (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۳۸۸) این آیه را از امام صادق علیه السلام سؤال کرده است).

پرسش از «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (همان، ج ۱، ص ۲۳۲) (پرسش از آیه فوق را ابوبصیر (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۳۳) از امام باقر علیه السلام و دیگران (همان، ج ۱، ص ۲۳۳) از امام صادق علیه السلام پرسش کرده‌اند).

پرسش و پاسخ از «اعْمَلُوا فَسِيرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» در مورد این آیه، زراره (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۱۰۸)، برید (همان، ج ۲، ص ۱۰۹) از امام باقر علیه السلام و یعقوب بن شعیب (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۱۹).

پرسش از «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (همان، ج ۲، ص ۲۶۰).

پرسش از ﴿وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (همان، ج ۲، ص ۲۹۷) (محمدبن سنان نیز از امام صادق علیه السلام پیرامون این آیه پرسش کرده است)

پرسش از ﴿الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ﴾ (همان، ج ۲، ص ۴۴۱) (در مورد این آیه جابر (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۵۳) از امام باقر علیه السلام و اسحاق بن عمار (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۲۷۸) و محمدبن مسلم (همان، ج ۲، ص ۴۴۱) از امام صادق علیه السلام پرسش کرده‌اند)

پرسش از ﴿فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾ (همان، ج ۲، ص ۴۸۰)

پرسش از ﴿سَيَطُوفُونَ مَا بِحَلُّوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ (همان، ج ۳، ص ۵۰۴) (محمدبن مسلم پیرامون این آیه از امام صادق علیه السلام نیز پرسش کرده‌است که امام صادق علیه السلام پاسخی عین کلام امام باقر علیه السلام را به ایشان داده است.

پرسش از ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ﴾ (همان، ج ۴، ص ۱۱۶)

پرسش از ﴿الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النَّكَاحِ﴾ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۸۴) (پیرامون این آیه، رفاعه (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۲۶) و ابوبصیر (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۹۳) نیز از امام صادق علیه السلام پرسش کرده‌اند)

پرسش از ﴿يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي﴾ (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۱۵۳).

پرسش از ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (همان، ص ۱۷۰) پیرامون این آیه از طرف احوول (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۷۳)، ابوبصیر (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۴۱) و محمدبن مسلم از امام صادق علیه السلام پرسش شده است.

پرسش از ﴿فَأُولَئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹۸)

پرسش و پاسخ از ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾ (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۴) و...

۶-۳- بُرِيدِينَ مَعَاوِيَةَ

پرسش‌های برید از امام باقر علیه السلام حدود ۳۵ مورد است؛ از این تعداد حدود ۱۵ مورد مربوط به پرسش‌های قرآنی وی از حضرت و بقیه غیرقرآنی است. آدرس پرسش‌های قرآنی وی عبارت است از:

پرسش از ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۶۹)

پرسش از ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ (همان، ج ۱، ص ۲۷۶)

پرسش از ﴿اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ (همان، ج ۲، ص ۱۰۹)

پرسش از ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱)

پرسش از ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (همان، ج ۱، ص ۱۹۱)



پرسش از «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (همان، ج ۱، ۲۰۵)

پرسش از «اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (همان، ج ۱، ۲۰۸)

پرسش از «أَوْ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (همان، ج ۱، ص ۳۷۶)

پرسش از «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (همان، ج ۲، ص ۲۲۰)

پرسش از «وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا» (همان، ج ۵، ص ۴۴۲)

پرسش از «وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (همان، ج ۸، ص ۱۵۶)

پرسش از «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۶) و...

۶-۴- ابوبصیر

وی دارای حدود ۳۵ پرسش از امام باقر علیه السلام است که ۶ مورد آن قرآنی و بقیه پرسش‌ها غیر قرآنی است:

پرسش از «وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۳۳)

پرسش از «مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ» (همان، ج ۱، ص ۳۶۶)

پرسش از «هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ» (همان، ج ۱، ص ۳۷۶)

پرسش از «يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (همان، ج ۲، ص ۳۱۷)

پرسش از «وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱)

پرسش از «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۵)

پرسش از «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۹۲) البته در مورد آیه اخیر برید، جابر (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۴۹) از امام باقر علیه السلام، ابان (همان، ج ۱، ص ۲۵۱) از امام رضا علیه السلام، عمرو بن سعید (همان، ج ۱، ص ۲۵۳) از امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کرده‌اند؛ همچنین ابوبصیر در مورد این آیه مبارکه از امام صادق علیه السلام نیز پرسش کرده است.

۶-۵- ابو حمزه ثمالی

ابو حمزه دارای حدود سی مورد سؤال از امام باقر علیه السلام است که حدود ۵ مورد آن قرآنی است؛ آدرس پرسش‌های قرآنی وی عبارت است از:

پرسش از «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۱۲۴).

پرسش از «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱).

پرسش از «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ» (همان، ج ۱، ص ۴۲۰)،

پرسش و پاسخ از ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۱۴۹)،
پرسش از ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ
بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۵) و...

۶-۶- حمران بن اعین

حمران دارای حدود ۳۰ مورد پرسش از امام باقر علیه السلام است که از این تعداد هشت مورد آن به پرسش قرآنی
بودن اختصاص دارد که عبارتند از:

پرسش از ﴿الَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ﴾
(عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۳۰).

پرسش از ﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (همان، ج ۱، ص ۳۷۳).

پرسش از ﴿وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا﴾ (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۲).

پرسش از ﴿خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ﴾ (همان، ج ۲، ص ۱۶۰).

پرسش از ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ﴾ (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۱۵۷).

پرسش از ﴿مَنْ أَجَلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا
قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (همان، ج ۴، ص ۱۵۷)

پرسش از ﴿ظَهَرَ الْقُرْآنُ وَبَطْنِهِ﴾ (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵۹) و...

۶-۷- جابر بن یزید

پرسش های قرآنی جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام از میان ۱۹ پرسش وی، ۷ مورد است که عبارتند از:
پرسش از «اختلاف تفسیر قرآن از طرف امام (در این روایت جابر به حضرت عرض می کند که فدایت
شوم چرا در تفسیر آیه کذا متفاوت پاسخ داده اید؟ حضرت بیان می کند که ای جابر برای قرآن ظهر و بطنی
است و برای ظهر و بطن آن، ظهر و بطنی دیگر است. گاهی آیه ای اولش پیرامون امری متفاوت از آخرش
است. اگرچه کلام متصلی است ولی دارای (قابلیت) وجوه مختلف است)» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱،
ص ۱۲).

پرسش از ﴿فَأَمَّا يَا تَيْبَتُكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (همان، ج ۱،
ص ۴۲).

۱. پرسش از این آیه را منصور بن حازم (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۷۳) از امام صادق علیه السلام و جابر از امام باقر علیه السلام مطرح کرده اند.

پرسش از ﴿وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ﴾ (همان، ج ۱، ص ۴۲؛ در این روایت خود جابر تصریح می‌کند که از امام باقر علیه السلام تفسیر باطنی آیه را - و نه ظاهری آن را - خواستم [مراد از **أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ**؟]. حضرت در جواب معنای باطنی آیه را برای وی مشخص می‌کنند که اولین کافر فلانی و همراه اوست و ضمیر در آیه هم به امیرمؤمنان علی علیه السلام برمی‌گردد؛ بیان بطن قرآن به جابر نشان‌دهنده مقام پذیرندگی اوست) (همان، ج ۲، ص ۱۸۸).

پرسش از «فَصَبِّرْ جَمِيلًا» (کلینی، ج ۲، ص ۹۳).
پرسش از ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾ (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۳۷۴).

پرسش از ﴿فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ﴾ (همان، ج ۳، ص ۴۱۵).
پرسش از ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ﴾ (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۴) در مورد این آیه مومن بن سالم (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۱۴) از امام باقر علیه السلام، سلیمان بن خالد (همان، ج ۱، ص ۲۱۵) از امام صادق علیه السلام، احمد بن عمر (همان، ج ۱، ص ۲۱۵) و مأمون عباسی (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵۹) از امام رضا علیه السلام سؤال کرده‌اند.

۶-۸- فضیل بن یسار

بیشتر پرسش‌های وی از امام صادق علیه السلام با عنوان **قُلْتُ** و **سَأَلْتُ** است. پرسش‌های وی از امام باقر علیه السلام در منابع شیعی به ۵ مورد می‌رسد که ۳ مورد آن قرآنی است:

پرسش از «ظهر و بطن قرآن» (صفار ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۶).
پرسش از ﴿مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۲۱۱).
پرسش از ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ (همان، ج ۱، ص ۲۱۴).

۶-۹- ابان بن تغلب

روایات ابان از امام باقر علیه السلام بیشتر با واسطه یک یا دو راوی همچون زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر و... نقل شده است، بدین جهت روایات مستقیم وی حدود ۶ مورد است که دو مورد آن قرآنی است:

پرسش از ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۵۸).
پرسش از ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيُّنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ﴾ (قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۲).

۶-۱۰- ابوالجارود

وی نیز دارای ۱۹ روایت از امام باقر علیه السلام به گونه پرسشی است که چهار مورد آن قرآنی و بقیه غیر قرآنی است. پرسش های قرآنی وی عبارت است از:

پرسش از «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ إِلَىٰ قَوْلِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۳۹۱).

پرسش از «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ» (همان، ج ۶، ص ۲۶۴).

پرسش از «وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ وَ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَىٰ وَ عِيسَىٰ» (همان، ج ۸، ص ۳۱۷).

پرسش از «سکینه» (در این روایت پرسشی اگرچه پرسش ابتدایی از طرف امام است و عبارت حاکی سؤال در عبارت دیده نمی شود ولی از جواب ابی الجارود به امام می توان این گونه برداشت نمود که عرضه درستی استدلال از طرف ابی الجارود به امام به نحو سؤالی است) (همان، ج ۴، ص ۱۸۹).

۶-۱۱- سالم (حناط)

از ایشان چهار روایت به گونه پرسشی از امام باقر علیه السلام مطرح شده است که سه مورد آن قرآنی است:

پرسش از «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۱۴: در مورد این آیه سلیمان بن خالد (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۱۵) از امام صادق علیه السلام، احمد بن عمر (همان، ج ۱، ص ۲۱۵) از امام رضا علیه السلام نیز پرسش کرده اند).

پرسش از «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (همان، ج ۱، ص ۴۷۰).

پرسش از «فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (همان، ج ۱، ص ۴۷۰) و... .

۶-۱۲- صیرفی

از جانب صیرفی ها (سدیر پدر و پسر) ۱۵ مورد پرسش از حضرت طرح شده است که یک مورد آن قرآنی است:

پرسش از «اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ أَخِيهِ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۱۸۹).

۱۳-۶ - علی بن مهزیار

اکثر پرسش‌های وی از محضر امام باقر علیه السلام به گونه کتابت است و تمام آن‌ها غیر قرآنی است (برای اطلاع از پرسش‌های کتابتی وی ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۰۴؛ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۵۶۰؛ ج ۳، ص ۲۶۳؛ ج ۴، ص ۴۸۶؛ ج ۴، ص ۵۲۵؛ ج ۴، ص ۵۸۴؛ ج ۷، ص ۳۶؛ ج ۷، ص ۶۵؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۴۰ و...؛ ایشان در یک مورد با عنوان «قلت» از اباجعفرالثانی یعنی امام جواد علیه السلام پرسش خویش را مطرح کرده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۷، ص ۱۵۴).

۱۴-۶ - سوره بن کلیب

اکثر پرسش‌های وی از امام صادق علیه السلام است. از امام باقر علیه السلام پنج پرسش مطرح کرده است که دو مورد آن‌ها قرآنی است:

پرسش از «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ» (صفر، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۴).
پرسش از «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۳۷۲).

۱۵-۶ - کناسی (برید، ضریس)

از ایشان ۱۴ پرسش از امام باقر علیه السلام مطرح شده است که یک مورد آن قرآنی است:
پرسش از «يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۴۹).

۱۶-۶ - ابی مریم

ایشان دارای هشت پرسش از امام باقر علیه السلام است که یک مورد آن قرآنی است:
پرسش از «وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۸، ص ۸۴).

۱۷-۶ - ابی بکر حضرمی

بیشتر روایت وی (پرسش محور و غیر آن) از امام صادق علیه السلام است. ایشان از امام باقر علیه السلام دارای چهار روایت پرسش محور است که یکی از آن‌ها قرآنی است:

پرسش و پاسخ از «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۳۸۹) یکی از ویژگی‌هایی که از پرسش و پاسخ‌های وی و صادقین علیهم السلام در منابع به دست می‌آید این است که در اکثر این پرسش و پاسخ‌ها صادقین علیهم السلام پیش قدم شده و از وی سؤال پرسیده و جواب شنیده‌اند و بحث با محوریت پرسش و پاسخ و تحلیل شکل گرفته است.

۶-۱۸- ورد (برادر کُمیت)

از ایشان یک روایت در منابع بدست آمد. ایشان در این روایت پرسش محور- که ناقل این روایت ابی بکر حضرمی است- به امام باقر علیه السلام عرض می کند که هفتاد پرسش را آماده کرده بودم که از محضرتان بپرسم ولی فقط یکی از آن ها را به یاد دارم؛ امام پرسش می کند که آن پرسش کدام است؟ و پرسش از آیه **﴿فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾** را به این صورت مطرح می کند که اهل ذکر - که مورد سؤال اند- چه کسانی اند؟ حضرت پاسخ می دهند: اهل ذکر ما هستیم، پرسش هایتان را بر ما عرضه کنید و پاسخ بگیرید (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۵۲۴).

۶-۱۹- حارث نصری

دارای یک پرسش از امام باقر علیه السلام است:

پرسش از **﴿الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا﴾** (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۸، ص ۱۰۳). در مورد این آیه عمرو بن سعید (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۲۲)، ذریح (همان، ج ۲، ص ۲۲۹)، عبدالرحمن بن کثیر (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۱۷) از امام صادق علیه السلام پرسش کرده اند.

۶-۲۰- عبدالله و علی بن سلیمان

دارای ۱۳ پرسش از امام باقر علیه السلام می باشند که همه آن ها غیرقرآنی است.

۶-۲۱- ابراهیم بن شیبیه

دارای دو پرسش غیرقرآنی از حضرت است.

۶-۲۲- علی بن راشد

دارای سه پرسش غیرقرآنی از حضرت است.

۶-۲۳- یحیی بن ابی عمران

دارای یک پرسش غیرقرآنی از حضرت است.

۶-۲۴- ابن بزیع

دارای یک پرسش غیرقرآنی از حضرت است.

۶-۲۵- بکر بن صالح

دارای یک پرسش غیرقرآنی از حضرت است.

دارای یک پرسش غیرقرآنی است.

۲۷-۶- با عنوان بعض و رجل، شخص، قیل له، سئل (بعض، رجل، شخص سئل / قیل لأبی جعفر) با این کلیدواژه چهار پرسش در منابع از امام باقر علیه السلام یافت شد که - اگر پرسش از متعه را قرآنی ندانیم - یک مورد آن قرآنی است:

پرسش از ﴿فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۸، ص ۹۳۵).

نتیجه‌گیری

یکی از مقوله‌های مرتبط با پرسش‌های راویان و عموم مردم - به خصوص پرسش‌های قرآنی - از امام باقر علیه السلام نیز آثار و نتایجی است که از این نظام‌واره پرسشی قابل کشف است. با بررسی تفصیلی این نظام پرسش قرآنی در آثار امام باقر علیه السلام که در پاسخ به پرسش‌های صریح و در نهان راوی ایراد شده است، می‌توان به آثار ارزشمندی چون تربیت عالمان قرآن‌مدار (از طریق ارجاع به قرآن و انتقال ارزشمندی پیشگامی در پرسش با عمل خویش)، آموزش روش اجتهاد (از طریق تفسیرهای اجتهادی و بیان روش‌های آن، بیان قواعد اصولی فهم کلام، بیان لزوم رجوع به کلام عرب عصر نزول یا نزدیک بدان برای فهم قرآن)، بیان منطق پرسش‌گری (از طریق توصیه به دقت در پرسش، نهی از پرسش تعسفی، انتقال دقت به پرسش‌گر و...)، تکامل شخصیت روایی راویان و نیز صدور میراث عظیم روایی - پرسشی آن‌ها اشاره نمود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغة، شریف رضی (۱۴۰۷ق). قم: دار الهجرة.

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم (بی تا). کفایة الأصول، تحقیق و چاپ: قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن، تحقیق: جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامية.
۳. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمد باقر محمودی، تهران: مجمع احیاء الثقافة الإسلامية.
۴. شریفی گرم دره، وحید؛ رفعت، محسن (۱۳۹۷). «کارکردهای قرینه سؤال راوی در فهم احادیث فقهی»، مطالعات فهم حدیث، شماره ۹، صص ۱۵۱-۱۷۵؛ DOI: 10.30479/mfh.2018.1436.
۵. صدوق، محمد بن بابویه (۱۳۸۵). علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری.
۶. صدوق، محمد بن بابویه (۱۳۹۸ق). التوحید، تحقیق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
۷. صدوق، محمد بن بابویه (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. صدوق، محمد بن بابویه (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تحقیق: محسن بن عباس علی کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية.
۱۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق). قصص الأنبياء، مشهد: مرکز پژوهش های اسلامی.
۱۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتب.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۵. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: محمد کاظم، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي.
۱۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لعلوم الأئمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). الأمالی، تحقیق: حسین استادولی و علی اکبر غفاری. قم: کنگره شیخ مفید.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰ق). تحریر الوسيلة، نجف: دار الکتب العلمية.
۱۹. نوبهار، رحیم؛ رمضان، محمد (۱۳۹۷). «نقش گونه شناسی روایات در حل تعارض»، حدیث پژوهی، شماره ۲۰، صص ۶۳-۸۴. DOI: 10.22052/0.20.3.84-63.